



محرم الحرام ۱۴۴۱



۵۵/۶/۱

دوره مقدماتی
فقه المکاسب
جلسه یک

۱. ویژگی‌های اصلی مباحث فقه المکاسب چیست؟
۲. مقدمات مورد نیاز برای ورود به مباحث فقه المکاسب چیست؟
۳. پنج سرفصل دوره مقدماتی فقه المکاسب چیست؟

شوای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

۲۱ شهریور ۱۳۹۸

تبیین دوره مقدماتی فقه المکاسب (جلسه اول)

ساختار مباحثات فقه المکاسب

ویژگی های اصلی مباحث فقه المکاسب (حجیت فقه المکاسب)

اشراف؛ داشتن بیشترین تناسب با فطرت و جهان بینی صحیح
کارآمدی در واقعیت موجود؛ وصف زاینده اشراف

مقدمات مباحث فقه المکاسب

حکمت بیان این مباحث؛ نابسامانی وضعیت اقتصادی و معیشت مردم
ارتقای ساختار فقهی مکاسب

استفاده از نظام مفاهیم اقتصادی موجود

معماری نظام مفاهیم جدید اقتصادی با قید تغییر در شاخصه های ارزیابی آن

ارتقا از حیث نظام مقایسه

فقدان مفاهیم اقتصادی موجود در زمان شیخ انصاری

ارتقا از حیث حقوقی به حیث ثبتي و استدلالی

۱. طبقه بندی مشاغل

قرار گرفتن این مشاغل در برنامه ریزی حکومت

۲. ویژگی های الگوی تولید (اصول حاکم بر مدل تولید آینده)

در نظر گرفتن سود ارتباطی در مکاسب

کاهش هزینه های افراد در صورت بهینه شدن روابط انسانی

همچون هزینه های حوزه سلامت، امنیت و قضایی و...

افزایش ۸ دسته درآمد افراد در صورت بهینه شدن روابط انسانی

همچون درآمدهای ناشی از قرض الحسنه، فیء و انفال و...

حفظ محیط زیست در مکاسب

تولید صنعتی یکی از بزرگ ترین علل تخریب محیط زیست

۳. الگوی تجارت و بازار (ویژگی های فقهی بازار)

اصل شدن نفی فاصله طبقاتی و فقر در بازار

افزایش بازارهای موقت به جای بازارهای دائم

۴. قواعد مبادله در حوزه تولید و بازار

ابزار مبادله؛ پول اعتباری یا غیر اعتباری؟

اختیار مبادله در اسلام؛ با حکومت مرکزی یا طرفین مبادله؟

عقود مبادله؛ بررسی کارآمدی ها و ویژگی های عقود در اسلام

۵. تجارت بین الملل و تعرفه ها

رد مبنای تقسیم کار جهانی بین جامعه ایمانی و کفر

تقویت کفار به وسیله تجارت

تسلط کفار بر جامعه ایمانی و ایجاد چالش برای تفکر و روابط انسانی

گسترش تجارت با کشورهای غیر متعهد و مستضعف

انتقال مفاهیم اسلامی در کنار تجارت «تجارت ابزار تحریک فکر و بهینه روابط انسانی»

شناسنامه:

جزوه پیش رو متن پیاده شده سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در نشست تخصصی تبیین فقه المکاسب (جلسه یک) است که در تاریخ ۱۲ محرم الحرام ۱۴۴۱ (۲۱ شهریورماه ۱۳۹۸) در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام در شهر مقدس قم برگزار شده است. پیشنهاد می شود جزوه و نمودار این جلسه به ترتیب در قطع A۴ و A۳ چاپ شود.

فهرست مباحث

۱. ابتناء بر اشراف و کارآمدی اجرایی؛ دو ویژگی مباحث فقه المکاسب ۱
- ۱/۱. ابتناء بر اشراف؛ داشتن بیشترین تناسب با فطرت و جهانبینی صحیح ۱
- ۱/۲. کارآمدی اجرایی؛ کاربرد این مباحث در واقعیت موجود ۱
۲. حکمت بیان مباحث فقه المکاسب و ارتقای ساختار مکاسب موجود؛ دو مقدمه مباحثات فقه المکاسب ۱
- ۲/۱. وضعیت نابسامان اقتصادی و معیشت مردم؛ حکمت بیان مباحث فقه المکاسب ۲
- ۲/۲. ایجاد نظام مقایسه با بدعت‌های فعلی و ارتقای مکاسب از حیث حقوقی به حیث ثبوتی و استدلالی؛ دو بخش ارتقای ساختاری مکاسب موجود ۳
۳. طبقه‌بندی مشاغل، ویژگی‌های الگوی تولید، الگوی تجارت و بازار، قواعد مبادله در حوزه تولید و بازار و تجارت بین‌الملل و تعرفه‌ها؛ پنج سرفصل از پانزده سرفصل مباحثاتی فقه المکاسب ۶
- ۳/۱. طبقه‌بندی مشاغل؛ زمینه‌ای برای حمایت جدی‌تر حکومت از برخی مشاغل ۶
- ۳/۲. ویژگی‌های الگوی تولید (اصول حاکم بر مدل تولید در آینده)؛ در نظر گرفتن سود ارتباطی و محیط زیست در مکاسب آینده ۷
- ۳/۳. الگوی تجارت و بازار (ویژگی‌های فقهی بازار)؛ راهکار نفی فاصله طبقاتی و فقر ۱۰
- ۳/۴. قواعد مبادله در حوزه تولید و بازار؛ شامل ابزار مبادله، اختیار مبادله و عقود در اسلام ۱۱
- ۳/۵. تجارت بین‌الملل و تعرفه‌ها؛ رد مبنای تقسیم کار جهانی بین جامعه ایمانی و کفر ۱۳
- پیوست‌ها ۱۶
- پیوست ۱: کاهش صرف عناوین مجرمانه در کشورهای حوزه اسکاندیناوی ۱۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم. الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا و شفيعنا في يوم الجزاء ابي القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطيبين الطاهرين سيما بقية الله في الارضين ارواحنا لآماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

۱. ابتناء بر اشراف و کارآمدی اجرائی؛ دو ویژگی مباحث فقه المکاسب

به فضل الهی از امروز ان شاء الله مباحثاتی را در حوزه مبارکه قم با موضوع «فقه المکاسب» محضر دوستان آغاز می کنیم. ان شاء الله با شفاعت ولی عصر ارواحنا فداه نظام و ساختاری از مفاهیم کاربردی را در این دوره مباحثاتی محضر دوستان مطرح می کنیم که ویژگی اصلی آنها دو مطلب است که هر دو مطلب ذیل کلمه حجیت قابل جمع است:

۱/۱. ابتناء بر اشراف؛ داشتن بیشترین تناسب با فطرت و جهان بینی صحیح

ویژگی اول، اشراف این مفاهیم است؛ به این معنا که نظام مفاهیم مطرح در فقه المکاسب، بیشترین تناسب را با فطرت انسان و جهان بینی حاکم بر این عالم دارد و از روی دقت است. ان شاء الله این اشراف در مقایسه با مفاهیم موجود بحث خواهد شد.

۱/۲. کارآمدی اجرائی؛ کاربرد این مباحث در واقعیت موجود

ویژگی دوم نیز عبارت از این است که در همین دنیای به هم ریخته مدرنیته - که بسیاری از زیرساخت های هدایت در آن دچار چالش شده اند - این مفاهیم قابلیت عمل و کاربرد دارد. عرض کردم هر دو ویژگی را ذیل کلمه حجیت جمع می کنیم؛ یعنی وقتی سعی می کنیم مفاهیمی که مطرح می کنیم دارای حجیت بوده و نسبت آن با دین تمام باشد مراد ما این است که این دو وصف را داشته باشد. البته وصف دوم که وصف کارآمدی است زائیده وصف اول (که تحلیل مبتنی بر اشراف) است.

۲. حکمت بیان مباحث فقه المکاسب و ارتقای ساختار مکاسب موجود؛ دو مقدمه مباحثات فقه المکاسب

من قبل از این که وارد تبیین ساختار مباحثات این دوره بحثی شوم دو نکته را به عنوان مقدمه مباحث عرض می کنم.

۲/۱. وضعیت نابسامان اقتصادی و معیشت مردم؛ حکمت بیان مباحث فقه المکاسب

کنته اول اینکه حکمت پرداختن به این مفاهیم در اسلوب و قالب جدید این است که وضعیت معیشتی مردم و اقتصاد کشور وضعیت نابسامانی دارد. عده‌ای می‌خواهند این نابسامانی را به مدیریت برخی افراد و جریان‌ها برگردانند. ضمن اینکه ناکارآمدی مدیران در بعضی از بخش‌های اقتصادی و غیر اقتصادی را نفی نمی‌کنیم، می‌خواهم با صراحت عرض کنم که در همه کشورهای که مسئله ضعف در مدیریت مطرح نبوده و حتی مدیریت قوی‌ای در میدان بوده مانند کشور ژاپن یا آلمان و سایر کشورهایی که به هر حال در عرف موجود گفته می‌شود که آن‌ها به لحاظ مدیریت مشکلی نداشته‌اند، در همه آن کشورها - بر اساس شاخصه‌هایی که به تدریج در این دوره مباحثاتی عرض خواهم کرد - وضعیت اقتصادی نابسامان و به هم ریخته‌ای است. بنابراین ما معتقدیم که نظام مفاهیم حاکم بر اقتصاد آزاد و سرمایه داری که اصرار دارد خود را یک اقتصاد عقلایی معرفی کند عامل اصلی به هم ریختگی اقتصاد در کشور ما و در سایر کشورهاست. توضیح بیشتر اینکه اگر شاخصه‌های ارزیابی حوزه اقتصاد را درست طراحی کنیم این ادعای ما واضح می‌شود. مثلاً اگر شما گفتید که شاخص ارزیابی اقتصاد، توزیع عادلانه درآمد است و نه اصل GDP^۱ و درآمد ملی یک کشور؛ خوب آن موقع ارزیابی‌ها متفاوت می‌شود و می‌توانید قضاوت کنید که مثلاً فاصله طبقاتی در ژاپن، آلمان و ایالات متحده آمریکا به چه شکل است. بلکه چون شما شاخص را افزایش GDP قرار می‌دهید و این شاخص، شاخص غلطی است بنابراین می‌گویید که بعضی از کشورها به لحاظ اقتصادی رشد پیدا کرده‌اند اما اگر شاخص را عوض کرده و بگویید که GDP شاخص نیست بلکه شاخص این است که مردم یک کشور از لحاظ فاصله طبقاتی چه وضعیتی دارند و با شاخص دیگری ارزیابی کنیم، نتیجه متفاوت خواهد شد. ان شاء الله در ادامه نظام شاخصه‌هایی که ما را به این نتیجه رسانده است که نظام اقتصادی موجود را یک نظام ناکارآمد و غلط می‌دانیم را بیشتر بحث و تبیین خواهم کرد.

بنابراین دلیل اولی که ما به فقه المکاسب ورود پیدا کرده‌ایم این است که نظام مفاهیم اقتصاد آزاد، نظام مفاهیم ناکارآمدی هستند و بر اساس این نظام مفاهیم نمی‌توانیم اقتصاد کشورمان را بازآفرینی کنیم. ممکن است در بعضی از دانشگاه‌های ما و بعضی از جریان‌های انقلابی و دینی ما به هر دلیلی، کسانی فکر کنند اگر دولت تدبیر و امید عوض شود می‌توان وضعیت اقتصاد کشور را بهینه کرد چرا که همه مسئله را به ضعف‌های مدیریتی بر می‌گردانند در حالی که ما فکر می‌کنیم حتی اگر مدیران قوی‌ای از حیث اوصاف مدیریتی سرکار بیایند ولی همین نظام مفاهیم وجود داشته باشد - مراد از نظام مفاهیم، نظام مفاهیم حوزه اقتصاد سرمایه‌داری است - وضعیت اقتصاد کشور بهبود پیدا نخواهد کرد. لذا دعوت اصلی ما در این دوره مباحثاتی این است که دلسوزان کشور، اقتصاد و معیشت عمومی را بر اساس مفاهیم فقه المکاسب پیگیری کنند و نه بر اساس مفاهیم که در اقتصاد خرد، اقتصاد کلان^۲ و اقتصاد توسعه مطرح است و نه بر اساس مفاهیمی که در مکاتب مختلف اقتصادی مطرح می‌شود. این، حرف اول ماست. حرف اول ما این است که ما به معماری جدید حوزه مفاهیم مرتبط با معیشت و کسب مردم نیازمندیم و فکر می‌کنیم که این معماری جدید در فقه المکاسب مطرح شده است.

۱. در سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تعریف GDP (Gross Domestic Product) چنین آمده است: کل ارزش ریالی محصولات نهایی تولیدشده توسط واحدهای اقتصادی مقیم کشور در دوره زمانی معین (سالانه یا فصلی) را تولید ناخالص داخلی می‌نامند.

آدرس مطلب در سایت رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: yon.ir/HRXCN

۲. در اقتصاد کلان به امور کلان و جهانی و منطقه‌ای اقتصاد مثل تولید ناخالص ملی، تولید ناخالص داخلی و نرخ بیکاری و پرداخته می‌شود. در اقتصاد خرد به مسائل جزء اقتصادی مانند تنظیم نرخ در بازار و رفتارهای صنایع اقتصادی می‌پردازند.

۲/۲. ایجاد نظام مقایسه با بدعت‌های فعلی و ارتقای مکاسب از حیث حقوقی به حیث ثبوتی و استدلالی؛ دو بخش ارتقای ساختاری مکاسب

موجود

نکته دومی که لازم است همین جا و قبل از ورود به بحث راجع به آن صحبت کنم این است که اگر ما به فقه المکاسب دعوت کردیم لازم است ساختار مباحثات فقهی مکاسب را ارتقاء دهیم و این ساختار باید از حیث‌های مختلفی ارتقاء پیدا کند. شاید مهم‌ترین این حیث‌ها دو نکته است؛ نکته اول اینکه فقه المکاسب موجود باید از حیث نظام مقایسه ارتقاء پیدا کند. در دوره‌ای که مرحوم شیخ اعظم^۲ - رحمه الله علیه - مکاسب می‌گفتند، مفاهیم بدعت‌آمیزی که امروز در حوزه اقتصاد آزاد با آن روبرو هستیم مطرح نبوده است و لذا به صورت طبیعی، مرحوم شیخ، مسئله مکاسب را ناظر به فضای روزگار خودشان مطرح کرده و مطالبی را نقد می‌کردند که در آن روزگار به عنوان بدعت رواج داشته‌اند در حالی که آن مفاهیم در دوران ما تغییر یافته‌اند. اگر من بخواهم برخی از مهم‌ترین بدعت‌های معاصر را بحث کنم و به آن‌ها توجه دهم که لازم است در فقه المکاسب راجع به آن‌ها بحث شود، مهم‌ترین آن‌ها مسئله استقلال بانک مرکزی و تعریف خاصی از پول است که در دوران معاصر رواج یافته است. یکی از مفاهیمی که ما در دوره‌های جدید با آن روبرو هستیم معادله نشر اسکناس و نظارت‌هایی که وزارتخانه‌های اقتصادی بر حوزه‌های پولی و مالی دارند است. مثلاً یکی از مفاهیمی که در دوره جدید با آن روبرو هستیم بحث کنترل قیمت در بازار است که توسط نهادهایی مثل شورای رقابت^۳ و بخش‌های دیگر صورت می‌گیرد. در حالی که طبق روایات قائل هستیم تسعیر و قیمت‌گذاری باید توسط طرفین خرید و فروش انجام شود.^۴ حالا اینکه با این مفاهیم چگونه برخورد کنیم و چگونه با آن‌ها روبرو شویم مطلبی است که در دوره جدید فقه المکاسب باید در مورد آن بحث کنیم. پدیده بانک یکی از مفاهیمی است که باید در این دوره جدید مورد بررسی قرار بگیرد که این مسئله نیز ذیل تعریف جدید از پول مطرح است.

۳. شیخ انصاری صاحب کتاب اصولی «رسائل» و کتاب فقهی «مکاسب».

۴. بر اساس ماده ۵۴ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به منظور انجام امور کارشناسی و اجرای فعالیت‌های دبیرخانه‌ای شورای رقابت، مرکز ملی رقابت در قالب موسسه‌ای دولتی مستقل زیر نظر رییس جمهور در سال ۱۳۸۹ تاسیس گردید. فعالیت‌ها و وظایف اصلی مرکز در زمینه انجام پژوهش‌های اقتصادی و بررسی بازار از منظر توسعه رقابت در کارگروه‌های متعددی انجام می‌شود که برخی از آن‌ها عبارتند از: کارگروه خودرو، مخابرات و برق.

آدرس مطلب در سایت رسمی مرکز ملی رقابت: yon.ir/TCbuh

۵. وَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ التَّسْعِيرِ فَقَالَ مَا سَعَرَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى أَحَدٍ وَ لَكِنْ مَنْ نَقَصَ عَنْ بَيْعِ النَّاسِ قَيْلَ لَهُ بَعْ كَمَا يَبِيعُ النَّاسُ وَ إِلَّا فَازَعَ مِنَ السُّوقِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ طَعَامُهُ أَطْيَبَ مِنَ طَعَامِ النَّاسِ.

از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد تسعیر سؤال شد. فرمودند: امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ بر کالای کسی قیمت‌گذاری نمود و لکن به کسی که بیش از قیمت متعارف کالایش را عرضه می‌کرد، می‌فرمود، آن گونه که مردم می‌فروشند، بفروش و در غیر این صورت از بازار بیرون رو، مگر اینکه کالایی که او عرضه می‌کرد مرغوب‌تر از کالایی بود که در بازار عرضه می‌شد.

دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۶

وَ قِيلَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ سَعَرْتَ لَنَا سِعْرًا فَإِنَّ الْأَسْعَارَ تَرِيدُ وَ تَنْقُضُ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا كُنْتُ لِأَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى بِبِدْعَةٍ لَمْ يُحَدِّثْ إِلَيَّ فِيهَا شَيْئًا فَدَعَا عِبَادَ اللَّهِ يَأْكُلُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ وَ إِذَا اسْتَنْصَحْتُمْ فَأَنْصَحُوا

به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفتند: ای کاش برای اجناس قیمت می‌گذاری زیرا مرتب نرخ‌ها زیاد و کم می‌شود، فرمود: من نمی‌خواهم در حالی خدا را ملاقات کنم (از دنیا بروم) که بدعتی گذارده باشم و دستوری بر آن به من نرسیده باشد، مردم را رها کنید از يك دیگر استفاده برند، و هر گاه از شما سعر (نرخ) وقت را خواستند اخلاص و ورزید و راست بگویند (و اگر نرسیدند شما آن‌ها را رها کنید).

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۲۶۸

مفاهیمی مثل سهام^۶ و مفهوم جدید شرکت^۷ [نیز همینگونه است] که در ادبیات معاصر مدیریت شرکت را به صاحب "پنجاه درصد بعلاوهٔ یک" سهام واگذار می‌کنند.^۸ مسئلهٔ رویکردهایی که الان در حوزهٔ مالیات مطرح است [نیز مشمول همین موارد است]. [این رویکردهایی که الان در حوزهٔ مالیات مطرح است در دوره‌های قبل مطرح نبوده است؛ این‌ها را ما چه کار کنیم؟ آیا همین طور بپذیریم یا باید آن‌ها را مورد بررسی قرار دهیم. یک نگاه ریاضی بر حوزهٔ اقتصاد حاکم است؛ آیا ما این نگاه ریاضی را بپذیریم و یا نه! معادلات حاکم بر حوزهٔ اقتصاد معادلات ریاضی نیستند؛ یعنی یک معادلات فیکس ثابتی نیستند بلکه متأثر از قواعد پیچیدهٔ روابط انسانی و قواعد پیچیدهٔ نیت عمل می‌کنند. به هر حال مسائل مختلفی جدیداً در حوزهٔ اقتصاد مطرح شده است و ما آن‌ها را در فقه المکاسب مرسوم بررسی نمی‌کنیم. شاید یکی از مهم‌ترین آن مسائل، مسئلهٔ روش تحقیق در حوزهٔ اقتصاد است؛ ما با چه روش تحقیقی ورود پیدا کرده و مسئلهٔ اقتصاد را مطرح کنیم؟ مفهوم سود به نحوی که الان مطرح است از چه نظام مفاهیم بالادستی و جهان بینی خاصی تبعیت دارد؟ همهٔ این مسائل باید بررسی شود. وقتی شما می‌خواهید مکاسب بگویید و ادعا می‌کنید که مکاسب شما می‌تواند مشکلات جامعه را حل کند، نمی‌توانید به این نظام مفاهیم - که برخی از آن‌ها را عرض کردم - بی‌تفاوت بمانید. مسئلهٔ نگاه به بازار [نیز از همین مسائل است] که آیا ما نگاه‌های جدید به بازار را بپذیریم؟ آیا بازار یک فرایند طبیعی دارد و به قول خود اهالی اقتصاد یک دست نامرئی^۹ در آن در جریان است؟ آیا این

۶. اوراق سهام عادی، اصلی‌ترین ابزار قابل معامله در بورس تهران است. این ابزار، سند قابل معامله‌ای است که مبین میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در یک شرکت سهامی است.

آدرس مطلب در سایت رسمی بورس اوراق بهادار تهران: yon.ir/Hz2uI

۷. در سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تعریف شرکت (Corporation) چنین آمده است: واحد یا شخص حقوقی است که به منظور تولید کالاها و خدمات برای عرضه به بازار ایجاد می‌شود. فروش محصولات بازاری، همراه با سایر عایدات مالی، را می‌توان منابع سود مالکان محسوب نمود. مالکان شرکت همان سهام‌داران آن می‌باشند که به منظور اداره آن اقدام به تعیین مدیران شرکت می‌نمایند.

آدرس مطلب در سایت رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: yon.ir/H.SeU

۸. در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره به اکثریت نصف بعلاوهٔ یک آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود. مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود. در مورد انتخاب مدیران تعداد آراء هر رأی دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می‌شود و حق رأی هر رأی دهنده برابر حاصل ضرب مذکور خواهد بود. رأی دهنده می‌تواند آراء خود را به یک نفر بدهد یا آن را بین چند نفری که مایل باشد تقسیم کند، اساسنامه شرکت نمی‌تواند خلاف این ترتیب را مقرر دارد.

ماده ۸۸ قانون تجارت

۹. The first appearance of the invisible hand in Smith occurs in *The Theory of Moral Sentiments* (۱۷۵۹) in Part IV, Chapter 1, where he describes a selfish landlord as being led by an invisible hand to distribute his harvest to those who work for him:

The proud and unfeeling landlord views his extensive fields, and without a thought for the wants of his brethren, in imagination consumes himself the whole harvest ... [Yet] the capacity of his stomach bears no proportion to the immensity of his desires ... the rest he will be obliged to distribute among those, who prepare, in the nicest manner, that little which he himself makes use of, among those who fit up the palace in which this little is to be consumed, among those who provide and keep in order all the different baubles and trinkets which are employed in the economy of greatness; all of whom thus derive from his luxury and caprice, that share of the necessaries of life, which they would in vain have expected from his humanity or his justice. The rich... are led by an invisible hand to make nearly the same distribution of the necessaries of life, which would have been made, had the earth been divided into equal portions among all its inhabitants, and thus without intending it,

مفاهیم را بپذیریم یا نه! اینها را به صورت مفهومی با بعضی از مفاهیم دینی مقایسه کنیم؟ مباحثی که در حوزه اقتصاد شهری مطرح است. همین طور مسائلی که در حوزه اقتصاد بین الملل، برندسازی و تجارت بین الملل مطرح است باید همه اینها بررسی شود. من نمونه‌هایی از مفاهیمی را که در دوره مرحوم شیخ انصاری وجود نداشته و به صورت طبیعی مرحوم شیخ نیز به این مفاهیم نپرداخته و صحیح و غلط آن را بررسی نکرده است را محضر شما عرض کردم. لذا اگر ما می‌خواهیم اهالی دانشگاه را، دوستان دانشگاه امام صادق علیه السلام را، دوستان دانشکده‌های اقتصادی کشور را به فقه‌المکاسب دعوت کنیم لازم است که در مقام نظام مقایسه با مفاهیم فقهی و این دسته از مفاهیم، مقایسه ایجاد کنیم که ان‌شاءالله به اندازه‌ای که در این دوره مباحثاتی وقت است بنده این مباحثه را شروع می‌کنم و ان‌شاءالله و بفضل تبارک و تعالی در دوره‌های بعدی نیز در مقام نظام مقایسه با این بدعت‌های معاصر بر خواهیم آمد.

ویژگی دومی که فقه‌المکاسب دوره جدید باید داشته باشد این است که حیث حقوقی این فقه‌المکاسب باید به یک حیث استدلالی و ثبوتی ارتقاء پیدا کند؛ به این معنا که ما نمی‌توانیم وقتی در حوزه اقتصاد و بازسازی حوزه اقتصاد کشور ورود پیدا می‌کنیم بر مبنای معذور و منجز^{۱۰} محض به بحث ورود پیدا کرده و بعضی از مکاسب را حرام و بعضی دیگر را حلال اعلام کنیم و به همین بسنده کنیم. ما در حوزه جدید - همان طور که عرض کردم - علاوه بر این که حتماً اوامر و نواهی الهی را محترم می‌شماریم و از آن‌ها عبور نمی‌کنیم، حیث مباحثه راجع به اوامر و نواهی را استدلالی خواهیم کرد؛ یعنی بحث خواهیم کرد که مثلاً در روایات ما چه دلایلی برای نهی از بعضی از کسب‌ها ذکر شده و چه فوایدی برای توسعه بعضی از مکاسب بحث شده است. مثلاً اگر در روایات ما توصیه شده که نوع تولید نان در الگوهای صنعتی و حتی محله‌ای پیگیری نشود بلکه با مدل

without knowing it, advance the interest of the society, and afford means to the multiplication of the species. When Providence divided the earth among a few lordly masters, it neither forgot nor abandoned those who seemed to have been left out in the partition.

اولین جایی که عبارت «دست نامرئی» ظاهر شد در کتاب تئوری احساسات اخلاقی (۱۷۵۹) اسمیت در قسمت چهارم، فصل ۱ بود، جایی که او یک مالک خودخواه را توصیف می‌کند که توسط یک دست نامرئی هدایت می‌شود تا برداشت خود را به کسانی که برای او کار می‌کنند توزیع کند: صاحبخانه متکبر و سنگدل، زمین‌های گسترده خود را مشاهده می‌کند و بدون آنکه به فکر خواسته‌های برادرانش باشد، در تخیل خودش کل برداشت را مصرف می‌کند... [با این حال] ظرفیت شکم او هیچ تناسبی با خواسته‌های بی حد و حصر او ندارد... در بهترین حالت، او موظف خواهد شد بقیه را در میان کسانی که در آماده‌سازی آن مقدار اندک دخیل بوده‌اند و همچنین مابین افرادی که آن کاخ را تجهیز کرده‌اند تا آن مقدار اندک مصرف شود؛ و در میان کسانی که تمام اسباب و خرده ریزهای بی مصرف را فراهم و سازماندهی می‌کنند. همه آن‌ها به این ترتیب از تجمل و رفاه وی سهمی می‌برند، همان میزان سهمی از ضروریات زندگی که بیهوده از انسانیت و عدالت زمین دار توقع دارند. ثروتمندان... تنها کمی بیشتر از فقرا مصرف می‌کنند، و علی‌رغم خودخواهی طبیعی و درنده‌خویی‌شان، هر چند آن‌ها تنها به فکر راحتی خود هستند و علی‌رغم اینکه تنها هدفی که آن‌ها از استخدام و به‌کارگیری هزاران نفر رسیدن به لذت خواسته‌های بیهوده و سیری ناپذیر خود است، آن‌ها تمام پیشرفت خود را با فقرا تقسیم می‌کنند. آن‌ها توسط یک دست نامرئی هدایت می‌شوند تا توزیع تقریباً مشابهی از ملزومات زندگی انجام دهند به میزانی که اگر زمین به بخش‌های مساوی بین ساکنین آن تقسیم می‌گردید صورت می‌پذیرفت؛ و در نتیجه بدون قصد و بدون اینکه بدانند، به سود جامعه رفتار کرده‌اند؛ و وسیله‌ای برای تکثیر گونه‌ها فراهم آورده‌اند. هنگامی که مشیت، زمین را در میان چند ارباب تقسیم کرد، افرادی که خارج از این تقسیم‌بندی ماندند را نه فراموش کرد و نه رها کرد.

۱۰. حجت اصولی عبارت از هر چیزی است که متعلق خود را به حسب جعل شرعی اثبات کند. به بیان دیگر هرگاه مکلف به چنین حجتی عمل کند و عمل او با واقع مطابقت نکند، می‌تواند به وسیله آن بر مولی احتجاج کند، و خود را در عمل به آن معذور بداند اگر برطبق آن عمل نکند و در نتیجه واقع از او فوت شده باشد، مولی می‌تواند بدان وسیله احتجاج کرده، و او را درخور کیفر بداند. (معذرت و منجزیت)

خانگی به سمت تولید نان برویم به چه دلیل امام علیه السلام ما را به این سمت هدایت فرموده‌اند؟^{۱۱} یا مثلاً ما در سرفصل اول مباحثاتمان سرفصلی تحت عنوان طبقه‌بندی مشاغل بر اساس فقه داریم، چرا بعضی از مشاغل در ادبیات فقه المکاسب نسبت به بعض دیگر برتر هستند؛ وجه ثبوتی و استدلالی همه اینها باید بیان شود. در مجموع اگر ما موفق شویم که مسئله سطح استدلال فقه را ارتقاء دهیم می‌توانیم ادعا کنیم که فقه المکاسب ما قابلیت معماری اقتصاد آینده را خواهد داشت. اینها دو ویژگی اصلی فقه المکاسبی است که ان‌شاء‌الله در دوره جدید به آن خواهیم پرداخت. هم در مقام نظام مقایسه با مفاهیم فقهی حوزه کسب و شغل با مفاهیم اقتصادی موجود برخورداریم آمد و هم سعی می‌کنیم که سطح استدلالی مباحثات را ارتقاء داده و به اصطلاح اصولی وجه ثبوتی توصیه‌های فقهی کسب را در مباحثات برجسته کنیم. در مجموع با این دو ویژگی ان‌شاء‌الله یک دوره مباحثاتی را محضر دوستان آغاز خواهیم کرد.

۳. طبقه‌بندی مشاغل، ویژگی‌های الگوی تولید، الگوی تجارت و بازار، قواعد مبادله در حوزه تولید و بازار و تجارت بین‌الملل و تعرفه‌ها؛ پنج سرفصل از پانزده سرفصل مباحثاتی فقه المکاسب

آنچه که در تصور بنده راجع به فقه المکاسب جدید این است که مکاسب جدید پانزده سرفصل اصلی خواهد داشت که پنج سرفصل اصلی را در جلسات آتی محضر دوستان مباحثه خواهیم کرد و بفضله تبارک و تعالی بقیه سرفصل‌های بحثی را در دوره‌های دیگری پیگیری خواهیم کرد.

۳/۱. طبقه‌بندی مشاغل؛ زمینه‌ای برای حمایت جدی‌تر حکومت از برخی مشاغل

سرفصل اولی که ما در این دوره مقدماتی فقه المکاسب به آن خواهیم پرداخت، همان طور که عرض کردم مسئله طبقه‌بندی مشاغل است. بله! ما تقریباً همه آن چیزی را که برای بشر در حوزه تجارات، در حوزه صناعت، در حوزه امور دولتی و حوزه معاملات هست همه را امضا می‌کنیم؛ یعنی اگر شروطی که فقه محترم و مبارک شیعه برای همه مکاسب بحث کرده، رعایت شود؛ ما تقریباً دایره گسترده‌ای از مشاغل را در جامعه خواهیم داشت که همه می‌توانند در آن حوزه‌ها به کسب خودشان بپردازند. یعنی با اینکه دایره مباحثات در حوزه کسب، یک دایره وسیعی نسبت به دایره محرمات است، اما مجموعه‌ای از روایات را داریم که طبقه‌بندی مشاغل را مطرح کرده است. فایده اصلی طرح این مباحثات، مسئله حکومت و نظام است؛ یعنی اگر طبقه‌بندی مشاغل در جامعه را در فقه بحث کنیم، حکومت می‌تواند مشاغلی که برتر هستند را در دایره حمایت جدی‌تر خود قرار دهد. البته فواید دیگری راجع به طبقه‌بندی مشاغل وجود دارد ولی من فکر می‌کنم اولین فایده‌اش این است که حکومت می‌تواند به نحو اولویت از این مشاغل که به عنوان مشاغل برتر مطرح شده‌اند، حمایت کند. فرض بفرمایید اگر در روایت این طور آمده که «تجارت مایه افزایش عقل است»^{۱۲} و اینکه تجارت، یکی از بخش‌های «الگوی

۱۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ نَصْرِ بْنِ إِسْحَاقَ الْكُوفِيِّ عَنْ عَبْدِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ شَرَاءُ الْحِنْطَةِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ شَرَاءُ الدَّقِيقِ يُنْشِئُ الْفَقْرَ وَ شَرَاءُ الْخُبْزِ مَحْقٌ قَالَ قُلْتُ لَهُ أَبْغَاكَ اللَّهُ فَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى شَرَاءِ الْحِنْطَةِ قَالَ ذَلِكَ لِمَنْ يَقْدِرُ وَ لَا يَقْدِرُ

عَبَادِ بْنِ حَبِيبٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ نَصْرِ بْنِ إِسْحَاقَ الْكُوفِيِّ عَنْ عَبْدِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ شَرَاءُ الْحِنْطَةِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ شَرَاءُ الدَّقِيقِ يُنْشِئُ الْفَقْرَ وَ شَرَاءُ الْخُبْزِ مَحْقٌ قَالَ قُلْتُ لَهُ أَبْغَاكَ اللَّهُ فَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى شَرَاءِ الْحِنْطَةِ قَالَ ذَلِكَ لِمَنْ يَقْدِرُ وَ لَا يَقْدِرُ

عَبَادِ بْنِ حَبِيبٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ نَصْرِ بْنِ إِسْحَاقَ الْكُوفِيِّ عَنْ عَبْدِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ شَرَاءُ الْحِنْطَةِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ شَرَاءُ الدَّقِيقِ يُنْشِئُ الْفَقْرَ وَ شَرَاءُ الْخُبْزِ مَحْقٌ قَالَ قُلْتُ لَهُ أَبْغَاكَ اللَّهُ فَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى شَرَاءِ الْحِنْطَةِ قَالَ ذَلِكَ لِمَنْ يَقْدِرُ وَ لَا يَقْدِرُ

عَبَادِ بْنِ حَبِيبٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ نَصْرِ بْنِ إِسْحَاقَ الْكُوفِيِّ عَنْ عَبْدِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ شَرَاءُ الْحِنْطَةِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ شَرَاءُ الدَّقِيقِ يُنْشِئُ الْفَقْرَ وَ شَرَاءُ الْخُبْزِ مَحْقٌ قَالَ قُلْتُ لَهُ أَبْغَاكَ اللَّهُ فَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى شَرَاءِ الْحِنْطَةِ قَالَ ذَلِكَ لِمَنْ يَقْدِرُ وَ لَا يَقْدِرُ

کافی، ج ۵، ص ۱۶۶-۱۶۷

۱۲. علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن حماد بن عثمان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: تَرَكَ التَّجَارَةَ يَنْقُصُ الْعَقْلَ.

امام صادق عليه السلام: رها کردن تجارت، عقل را می‌کاهد.

تفصیل»^{۱۳} و از مناسک ارتقای عقل است؛ بنابراین نگاه به مسئله تجارت به عنوان کسب و شغل از «سود اقتصادی» به «رشد عقلی» ارتقا پیدا می‌کند؛ بنابراین باید تدابیری اندیشیده شود که مسئله تجارت تنها به بعضی از افراد اختصاص پیدا نکند؛ چون بر اساس روایات ما، مسئله تجارت، هم باعث رفع فقر است و هم موجب افزایش عقل. ما در مسئله افزایش عقل به نحو عمومی، نیازمند عمل به مناسک تجارت هستیم؛ اگرچه کسی که دعوت به تجارت می‌شود، فقیر هم نباشد! بنابراین وقتی دعوت می‌کنیم مسئله طبقه‌بندی مشاغل از نظر فقه، بازخوانی شود، یکی از کارآمدی‌های آن، تسهیل سیاست‌گذاری در مورد حوزه کسب است؛ به این صورت که یک نظام حکومتی نسبت به چه مشاغلی حساس‌تر از مشاغل دیگر باشد؟ این باعث می‌شود بتوانیم یک هماهنگی کلانی را در حوزه اقتصاد ایجاد کنیم.

۳/۲. ویژگی‌های الگوی تولید (اصول حاکم بر مدل تولید در آینده)؛ در نظر گرفتن سود ارتباطی و محیط‌زیست در مکاسب آینده

سرفصل دومی که در مباحثات فقه المکاسب به آن خواهیم پرداخت: «ویژگی‌های الگوی تولید» است. آیا می‌توانیم به هر نحوی تولید داشته باشیم یا تولید را باید بر اساس ویژگی‌های خاصی پیگیری کنیم؟ بنابر آنچه در جلسات بعد مطرح خواهیم کرد، به نظر ما یک مناظر اصلی در حوزه مکاسب وجود دارد و آن عبارت از این است که مکاسب ما نباید نافی «سود ارتباطی» باشد. بنابر بحث‌هایی که در دوره‌های قبل مطرح کردیم، سود ارتباطی یعنی سودی که ناشی از ارتباط بهینه و تکامل یافته انسان‌ها با یکدیگر است. یعنی ما در حوزه روابط انسانی دو فرض داریم: یک فرض این است که انسان‌ها از لحاظ روابط انسانی به نحو گسسته و بر ضد یکدیگر عمل کنند. یک فرض دیگر هم این است که انسان‌ها در حوزه روابط انسانی اصطلاحاً به نحو پیوسته و به نفع یکدیگر عمل کنند. اگر فرض دوم در یک جامعه‌ای به وجود بیاید، سود آن جامعه از دو حیث ارتقا پیدا می‌کند: حیث اول کاهش هزینه‌هاست؛ یعنی یک جامعه‌ای که افراد آن دارای روابط انسانی پیوسته هستند، هزینه‌های آن جامعه - از قبیل هزینه‌های حوزه قضا و قضاوت، حوزه سلامت، حوزه امنیت، دفاع و دیگر هزینه‌ها - کاهش پیدا می‌کند. امروزه هزینه‌های مختلفی در جامعه ما وجود دارد که ناشی از گسستگی روابط انسانی است؛ برای نمونه وقتی انسان‌ها بر روی اعصاب یکدیگر هستند و به ضرر همدیگر عمل می‌کنند، سلامت آنان به لحاظ روحی، روانی و جسمی به چالش کشیده می‌شود؛ بنابراین هزینه‌های بخش سلامت هم افزایش پیدا می‌کند. مدیرانی هم که می‌خواهند نظم جامعه را ایجاد کنند، در فرض گسستگی روابط انسانی مجبور می‌شوند اشراف بیشتری برای خود فراهم کنند. برای نمونه باید هزینه‌های مانیتورینگ جامعه را هم بپردازند. در حالی که وقتی روابط انسانی جامعه‌ای ناشی از تعارف بوده و به نحو پیوسته باشد، هزینه‌های بخش امنیت هم کاهش پیدا می‌کند. هزینه‌های حوزه فصل الخطاب و قضا هم یکی از هزینه‌های سنگینی است که الان در جامعه ما

عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضال، عن ابن بكير، عن حده عن أبي عبد الله عليه السلام قال: التَّجَارَةُ تَزِيدُ فِي الْعَقْلِ. امام صادق عليه السلام: تجارت، عقل را می‌افزاید.

الكافي، ج ۵، ص ۱۴۸

۱۳. ما طبق آیات و روایات، ظرف تولد درک و شعور را قلب انسان‌ها می‌دانیم. آیه قرآن به این صورت می‌فرماید: اعوذ بالله من الشيطان الرجيم (وَ مَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ)؛ می‌گوید فردی که به خدا ایمان بیاورد قلب او هدایت می‌شود. تعبیر آیه شریف این است که قلب او هدایت پیدا می‌کند. آیه نفرمود ذهن او هدایت پیدا می‌کند. ظرف پیدایش درک و فهم، قلب انسان‌هاست نه ذهن انسان‌ها. لذا فردی که می‌خواهد جلوی پیدایش درک و تفکرات غلط را بگیرد، باید قواعدی را ارائه دهد که «تَعْصِمُ مُرَاعَاتُهَا الْقَلْبَ»، نه «تَعْصِمُ مُرَاعَاتُهَا الدَّهْنَ»... اگر بگویم که محل تولد درک و فهم، ذهن نیست، بلکه قلب است؛ آیا می‌توانید با قواعد منطقی صوری جلوی خطای در تفکر را بگیرید؟... الگوی تفصیل با این تعریفی که بنده عرض کردم، قواعد و چارچوب‌هایی است که جلوی تولد درک غلط را در قلب می‌گیرد.

پیاده فوری نشست چهارم الگوی ساخت، ص ۱۸-۱۹

وجود دارد. البته کشورهای غربی با کاهش عناوین مجرمانه، این هزینه‌ها را کاهش داده‌اند!^{۱۴} ولی واقعیت این است که نمی‌توانیم با قیام و قعود یک مجلس، مفهوم واقعی جرم را تزلزل داده و عناوین مجرمانه را کاهش دهیم. جرم در حوزه روابط انسانی، جرم است اگرچه دستگاه قضایی کشورهای اسکاندیناوی، آن را ندیده و دادگاه‌های خلوتی داشته باشد؛ لذا اینکه بعضی ساده‌اندیشی کرده و ادعا می‌کنند دادگاه‌ها در بعضی از کشورهای حوزه اسکاندیناوی خلوت است،^{۱۵} علت اصلی آن، کاهش عناوین مجرمانه واقعی است. نتیجه این کاهش عناوین مجرمانه این می‌شود که در بعضی از کشورهای حوزه اسکاندیناوی با اینکه دادگاه‌ها خلوت است، ولی خرید و فروش سلاح^{۱۶} و دزدی^{۱۷} در آن جامعه رونق فراوانی داشته و تقریباً یک کسب جدی در بین آن‌ها محسوب می‌شود! درست است که دادگاه‌ها خلوت است ولی مسائلی در آن جوامع اتفاق افتاده که انسان با اندک درنگی متوجه می‌شود که آن مسائل بر ضد روابط انسانی عمل می‌کنند! بنابراین هزینه‌های حوزه قضا و قضاوت با فرضی که عناوین مجرمانه را کاهش ندهیم بلکه قصد کنترل واقعی ارتکاب به جرم در آن جامعه را داشته باشیم، یکی از هزینه‌های جدی‌ای است که بر فرض روابط انسانی گسسته، به وجود می‌آید. از آن طرف، درآمدهای ناشی از حوزه روابط انسانی هم وجود دارد؛ مانند درآمدهای حوزه «فئی» و «انفال»^{۱۸} که بنابر تصریح قرآن شریف [حکمت تشریح آن] «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ»^{۱۹} است. اصلاً حوزه این نوع از درآمدها برای این است که روابط انسانی، بهینه‌شده و وضعیت افرادی که در حالت استضعاف در یک جامعه هستند، بهینه شود! بنابراین سرفصل‌های درآمدی هم تغییر پیدا کرده و افزایش پیدا می‌کند. درآمدهای ناشی از «قرض الحسنه‌ها» درآمدهایی هستند که در غیر از فضای روابط انسانی پیوسته فرض تحقق ندارد. با اینکه در مباحثات کنونی در حوزه اقتصاد، مسئله قرض الحسنه را تحلیل نمی‌کنیم ولی با این حال پدیده

۱۴. برای مشاهده شواهد این مطلب ر.ک به پیوست شماره «۱»

۱۵. بنا به نمودار واقع در گزارش شورای ملی پیشگیری از جرم کشور سوئد واقع در منطقه اسکاندیناوی تعداد جرم‌ها از سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۱۳ به طور کلی روندی نزولی داشته است.

/mjtayon.ir آدرس مقاله در شورای ملی پیشگیری از جرم سوئد:

۱۶. مالکیت اسلحه در اروپا در حال افزایش است به نحوی که اسلحه‌های موجود در فرانسه بیش از تعداد مجموع اسلحه‌های موجود در افغانستان و عراق است!

خبرگزاری «the times» بریتانیا: yon.ir/MN-oR

همچنین ببینید:

yon.ir/dydv

۱۷. در گزارش مجرمانه افشا شده ای از پلیس روشن شد که تعداد جرم در واقع هرگز کاهش نیافته بلکه سالیانه در مقابل ثبت یک میلیون جرم، ۳/۵ میلیون جرم در کشور کوچک هلند توسط پلیس پیگیری و ثبت نمی‌شوند. و بین ۶۰ تا ۷۰ درصد گزارش‌های جرم اصلاً بررسی نمی‌شوند و فقط ۱۸ درصد گزارشات مردم پیگیری جدی شده

آدرس مطلب در خبرگزاری «DUTCH NEWS»: yon.ir/Uchs6

۱۸. انفال: اموال اختصاص یافته به رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام.

فرهنگ فقه فارسی (زیر نظر آیت‌الله شاهرودی)، ج ۱، ص ۷۳۳

فئی: غنایم به دست آمده بدون جنگ.

فرهنگ فقه فارسی (زیر نظر آیت‌الله شاهرودی)، ج ۵، ص ۷۳۱

۱۹. مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْأَيْمَانِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ / سورة مبارکه حشر، آیه ۷

آنچه خدا از [اموال و زمین‌های] اهل آن آبادی‌ها به پیامبرش بازگرداند اختصاص به خدا و پیامبر و اهل بیت پیامبر و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان دارد، تا میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد. و [از اموال و احکام و معارف دینی] آنچه را پیامبر به شما عطا کرد بپذیرید و از آنچه شما را نهی کرد، باز ایستید و از خدا پروا کنید؛ زیرا خدا سخت کیفر است. [ترجمه انصاریان]

«قرض‌الحسنه‌های خانگی») یکی از نمودهای همین افزایش درآمدهای ناشی از بهینه‌روابط انسانی است! شما می‌دانید شاید در هفته و ماه، ده‌ها میلیارد تومان اعتبار و مال در حوزه همین صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی، جابجا می‌شود! تقریباً همه این‌ها در یک فضای بروکراسی صفری انجام می‌پذیرد! زیرا هنوز در محیط جامعه ما یک محیط همسایگی و محیط خانوادگی ناشی از تعالیم دینی وجود دارد، بر بستر این روابط انسانی بهینه، یک چنین پدیده‌ای اتفاق افتاده که منشأ حل مشکلات است! من همیشه با خودم فکر می‌کنم اگر این حجم از اعتبارات را به بانک‌ها می‌دادیم تا تخصیص دهند، اولاً انجام نمی‌شد! دوماً بانک‌ها زیر بار نمی‌رفتند که آن را ذیل قرض‌الحسنه منتقل کنند! این حوزه صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی الآن بخشی از اقتصاد کشور ماست و همان‌طور که عرض کردم تحلیل آن به «بهینه‌شدن روابط انسانی» بازمی‌گردد. در مجموع ما ۸ دسته درآمد را در فرض بهینه‌شدن روابط انسانی داریم که ان‌شاءالله در بحث‌های تفصیلی آن‌ها را بحث خواهیم کرد. بنابراین مسئله بهینه‌شدن روابط انسانی «سودی» را به افراد جامعه می‌رساند که این سود هم در بخش کاهش هزینه‌ها هست و هم در بخش افزایش منابع درآمدی. لذا ما از مسئله بهینگی روابط انسانی در اصطلاح «فقه هدایت» به «سود ارتباطی» تعبیر کردیم و این سود ارتباطی بر مبنای سود اقتصادی و ارزش افزوده هم قابل اندازه‌گیری است. البته با تأکید عرض می‌کنم اینکه ما اگر به بهینه‌شدن روابط انسانی توجه کنیم، هزینه‌های اقتصادی جامعه کاهش و درآمدهای آن افزایش پیدا می‌کند، تنها بخشی از ساختار سود ارتباطی است. اگر نگرش عمیق‌تری به مسئله داشته باشیم و «تقدیر» را هم ببینیم، مسئله سود ارتباطی و لحاظ نفع انسان‌ها حتی در حوزه اقتصاد، باعث می‌شود وزن تقدیر انسان‌ها تغییر پیدا کند! بنابراین از حیث تقدیر هم سودهایی برای جامعه رقم می‌خورد که این‌ها هم قابلیت مشاهده و محاسبه خواهد داشت. در مسئله عالم آخرت و قیامت هم از پایگاه سود ارتباطی، یک دسته سود متولد خواهد شد که ان‌شاءالله به آن هم اشاره خواهیم کرد. عرض بنده این بود که با توجه به مفهوم سود ارتباطی که توضیح دادیم، باید الگوی تولید کشور را بازتعریف کنیم؛ یعنی نحوه تولید نباید مضر به سود ارتباطی باشد. این اصلی است که ان‌شاءالله آن را تشریح می‌کنم. یک نحوه تولیدی در جامعه راه انداخته شد که «ارزش افزوده» داشت ولی «سود ارتباطی» را از حیث‌های مختلف به چالش کشید، ما حتماً از آن الگوی تولید نمی‌توانیم دفاع کنیم! مانند مشاغل صنعتی - که شما الآن در دوران معاصر می‌بینید - نحوه استخدام نیروی کار در صنایع تولیدی به شکلی است که وظایف خانوادگی نیروی کار را به چالش می‌کشد؛ بنابراین این نحوه تولید و استخدام، ضد سود ارتباطی است! ما به عنوان پیش‌فرض بحث کردیم که اگر کسی سود ارتباطی را در یک جامعه‌ای به چالش بکشد، یعنی هزینه‌های آن جامعه را افزایش و درآمدها را از حیث‌های مختلف کاهش داده است! پس آن شخص در نهایت نمی‌تواند ادعا کند حتی «سود اقتصادی» را افزایش داده است! مثلاً الآن صاحبان مشاغلی که در عسلویه موجود است، برای نیروی کار خود، تقریباً ۲۱ روز یا - مبتنی بر بعضی از اخبار - بیش از این مقدار شغل تعریف کرده‌اند! یعنی نیروی کاری که در این صنایع مشغول به کار است، تنها ۹ روز در نزد خانواده است! بنابراین فرصت رسیدگی به امور خانواده را ندارد! ما می‌دانیم وقتی ارتباط شما با خانواده قطع می‌شود، اتفاقی که می‌افتد این است که روابط جنسی، روابط عاطفی و همچنین سلامت افراد به چالش کشیده می‌شود! بنابراین درست است که ما [مدل‌های موجود] تولید داریم و ارزش افزوده ایجاد می‌شود ولی هم‌زمان هزینه‌هایی به جامعه تحمیل

۲۰. گزارش خبرگزاری «نفت ما» از اعتراض کارکنان منطقه پتروشیمی عسلویه نسبت به ساعت کاری:

«...هم‌اکنون کارکنان به صورت ۲۵ روز کار در عسلویه و ۵ روز استراحت فعالیت دارند. متأسفانه علتی که تا به حال برای عدم اجرایی شدن این تدبیر عنوان شده است، مخالفت مدیران عامل شرکت‌ها به بهانه افزایش هزینه‌ها می‌باشد...»

آدرس مطلب در سایت خبرگزاری «نفت ما»: yon.ir/okPqy

می‌شود که منشأ آن، گسستگی در روابط خانوادگی است! بنابراین در بحث الگوی تولید، یکی از ملاحظات جدی ما این است که هیچ تولیدکننده‌ای نباید سود ارتباطی را نقض کند! به عنوان مثال دیگری مطرح می‌کنم: الآن نحوه تولید، نافی محیط‌زیست است! مثلاً شما با پدیده تولید صنعتی روبرو هستید. تولید صنعتی بدون بسته‌بندی صنعتی امکان ندارد و مسئله بسته‌بندی صنعتی، عامل تخریب محیط‌زیست است.^{۲۱} درست است که شما در محاسبات حوزه اقتصاد ادعا می‌کنید که بخش صنعت یک جامعه GDP را افزایش داده ولی در این محاسبه خود، تخریبی را که ناشی از تخریب محیط‌زیست است، محاسبه نمی‌کنید! حتماً بخشی از این هزینه‌های تخریب محیط‌زیست، هزینه‌های اقتصادی است. چه بسا بعضی از هزینه‌های آن هم قابلیت محاسبه نداشته باشد. پس ان‌شاءالله در سرفصل دوم مباحثاتی، اصول حاکم بر الگوی تولید را از نظر «فقه‌المکاسب» بحث خواهیم کرد و بَفَضْلِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، پیشنهادهایی را در معماری الگوی تولید آینده مطرح خواهیم کرد! من با صراحت در اینجا عرض کنم: زیست‌بوم آینده کسب و کار کشور نمی‌تواند بر مبنای «کسب‌وکارهای نوین» طراحی شود. کسب‌وکارهای نوینی که الآن مطرح است، همه ضد سود ارتباطی عمل می‌کنند! لذا باید به یک زیست‌بوم جدید در حوزه اقتصاد مبتنی بر تقویت «سود ارتباطی» فکر کرد که ان‌شاءالله در سرفصل دوم آن را بحث خواهیم کرد.

۳/۳. الگوی تجارت و بازار (ویژگی‌های فقهی بازار)؛ راهکار نفی فاصله طبقاتی و فقر

سرفصل سوم مباحثات ما، الگوی تجارت و بازار است. بازار از نظر فقهی، چه ویژگی‌هایی دارد؟ آیا ما می‌توانیم بازارها را به شکل فعلی طراحی کنیم؟ یا بایستی بازارها را مثلاً به شکلی که در دوره صفویه موجود بوده طراحی کنیم؟ به همان شکلی که بعضی از فقهای عظام شیعه در زمان صفویه یا در دوره‌های دیگر با دخالت‌های حداکثری خود نسبت به سایر فقهای هم‌عصر طراحی می‌کردند؟^{۲۲} یا نه! بازار دارای قواعد دیگری غیر از اینهاست؟ به نظر ما - کما اینکه بعداً روایاتش را ذکر می‌کنم - بازار، عامل اصلی نفی فاصله طبقاتی و رفع فقر است. اینکه ما بازار را چه طور طراحی کنیم، بسیار مدد می‌رساند به اینکه فقر را از جامعه مرتفع کنیم؛ کما اینکه امام صادق علیه السلام وقتی سیره مدیریتی امیرالمؤمنین علیه السلام در بخش معیشت و کسب را روایت می‌کنند می‌فرمایند: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام اهتمام زیادی به طراحی بازارهای موقت داشتند و احکام بازارهای موقت را همان احکام مسجد قرار می‌دادند؛ یعنی دکه‌هایی که در بازار طراحی می‌کردند، از دو حیث به مسجد شبیه بود. حیث اول،

۲۱. تقریباً ۴۲ درصد از تمامی پلاستیک‌های غیر فیبری برای بسته‌بندی استفاده می‌شود که عمدتاً از PP, PE و PET تشکیل شده‌اند.

Approximately 42% of all nonfiber plastics have been used for packaging, which is predominantly composed of PE, PP, and PET.

آدرس مطلب در پایگاه رسمی «AAAS» انجمن پیشبرد علمی آمریکا و صاحب امتیاز ژورنال ساینس: yon.ir/Plastics

۲۲. صرف نظر از امور شرعی که احکام و اجرای آن زیر نظر هیئت حاکمه دینی بود، آنچه باقی می‌ماند امور عرفی اداره کشور بود که در اختیار سلطان باقی می‌ماند و به این ترتیب، نوعی تقسیم‌بندی قدرت پذیرفته شد. البته از دیدی که از آن صحبت شد مشروعیت سلطان در اداره امور عرفی نیز از فقیه گرفته می‌شد؛ با این حال اداره امور عرفی به صورت مستقیم به شاه واگذار شد و امور شرعی در اختیار مجتهد قرار گرفت. امور شرعی در دو بخش به صدر و شیخ‌الاسلام واگذار شده و به مرور کار صدر اداره موقوفات و امور وابسته به آن و کار شیخ‌الاسلام نظارت بر اجرای امور شرعی در حدی گسترده‌تر بود.

صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۱، ص ۱۲۲

شاه طهماسب محقق کرکی را خاتم‌المجتهدین نامید و عنوان شیخ‌الاسلام را درباره وی به کار برده، تمام اختیار امور شرعی و حتی عرفی و نیز عزل و نصب قضات و حکام را برای وی قائل شد. بنابراین با حضور محقق کرکی بود که عنوان شیخ‌الاسلامی در دوره صفوی باب گردید. منصب شیخ‌الاسلامی در دو دوره، اهمیت بالایی یافت که از قضا هر دو دوره به لحاظ دینی در مجموعه دوره صفوی برجسته است. نخست دوره طهماسب اول با محقق کرکی و دیگری دوره شاه سلطان حسین با حضور علامه مجلسی.

صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۱، ص ۲۱۱

عبارت از این است که مانند مسجد رایگان بود؛ یعنی حکومت «حقوق تجاری» را بر مسئله بازارهای موقت بار نمی‌کرد. حیث دوم هم این است که استفاده از آن دکه‌های اقتصادی بازارهای موقت، مشروط به «اصل سبقت» بود؛ یعنی هر کسی که در همان روز سریع‌تر می‌توانست یکی از دکه‌ها را در اختیار بگیرد تا آخر روز در اختیار او بود و این مسئله نه با «قرعه» و نه با «پرداخت حقوق تجاری خاصی» بود! ^{۲۳} وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام این کار را در حکومت خود انجام می‌دادند، چند دسته اتفاق در جامعه ایشان اتفاق می‌افتد: اولاً قیمت تمام شده کالاها کاهش پیدا می‌کرد. شما می‌دانید در بعضی از مغازه‌ها، شاید نزدیک دو سوم قیمت - یا بسته به شرایط، کمتر یا بیشتر - مربوط به این می‌شود که آن مغازه در کجا قرار دارد و حقوق تجاری وضع شده برای آن مغازه چه قدر است؛ برای بعضی از دکه‌هایی که در بازارهای ما در مناطق حساس است، حقوق تجاری ده‌ها میلیارد تومانی وضع می‌شود! صاحب آن مغازه می‌خواهد این ده‌ها میلیارد حقوق تجاری را - که ذیل عناوین مختلف از او گرفته می‌شود - به قیمت تمام شده کالا اضافه می‌کند. لذا عملاً وقتی حکومت برای اداره امور خودش بر بازار، حقوق تجاری وضع می‌کند، یعنی مسئله معیشت عمومی را گران‌تر و با مشکل بیشتری روبه‌رو می‌کند.

آفت دومی که در فرض موجود اتفاق می‌افتد این است که همه افراد، قدرت تجارت پیدا نمی‌کنند؛ چون مسئله تجارت نیاز به محل تجارت دارد و افراد فقیر هیچ‌وقت نمی‌توانند محل‌های تجاری را با قیمت‌های بالا در اختیار خودشان داشته باشند. لذا همیشه یا به وردست تبدیل می‌شوند یا اساساً هیچ‌وقت فرصت تجارت پیدا نمی‌کنند. اما اگر شما بازار موقت داشته باشید دیگر لازم نیست با شیوه‌های امدادی، فقرا را مدیریت کنید؛ یا نهایتاً شیوه‌های امدادی به زنان سرپرست خانوار یا معلولین و یا کسانی که اصلاً هیچ زمینه‌ای برای تحرک اقتصادی ندارند محدود می‌شود. ولی بقیه مردم را با اندک سرمایه و مال التجاره به سمت بازارهای موقت هدایت نموده و معیشت روزانه آن‌ها را از پایگاه بازارهای موقت سرپرستی می‌کنید. پس در بحث ویژگی‌های بازار هم ان‌شاء الله گفتگوهای خوبی را محضر دوستان خواهیم داشت.

۳/۴. قواعد مبادله در حوزه تولید و بازار؛ شامل ابزار مبادله، اختیار مبادله و عقود در اسلام

مسئله چهارمی که در فقه المکاسب به آن خواهیم پرداخت، بحث از مفهوم مبادله است؛ حالا هم تولید موجود است و هم بازاری شکل گرفته، خب سؤالی پیش می‌آید که مبادله در حوزه تولید و مبادله در بازار چه قواعدی دارد؟ این را هم ان‌شاء الله از نظر فقهی مباحثه خواهیم کرد و مزایای مبادله و احکام مبادله در این دوره از فقه المکاسب مطرح خواهیم کرد. به عنوان مثال راجع به ابزار مبادله بحث خواهیم کرد؛ آیا ما می‌توانیم ابزار مبادله را پول اعتباری ^{۲۴} قرار بدهیم؟ اساساً می‌توانیم از اعتبار برای مبادله استفاده کنیم؟ این یک بحث مهم است که مطرح خواهیم کرد. اقتصاددان‌هایی که از مسئله پول اعتباری دفاع می‌کنند، باید توجه کنند که مسئله خلق پول، ^{۲۵} مسئله تورم و مسئله مهم حاکمیت اغنیا بر مسئله پول را از طریق همین تعبیر تعریف پول زمینه‌سازی کردند. حالا ان‌شاء الله این را بحث خواهیم کرد. بنده به استظهار چند دسته از روایات من

۲۳. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: «سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ وَ كَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى يَبُوتِ السُّوقِ كِرَاءً»

امام صادق عليه السلام فرمود: جدم امیر المؤمنین عليه السلام گفت: بازار مسلمین در حکم مسجد است: هرکسی زودتر به دکه‌های بازار درآید و بساط خود را بپهن کند، تا شب به سکنای آن دکه اولویت دارد. امیر المؤمنین عليه السلام از دکه‌های بازار کوفه کرایه دریافت نمی‌کرد.

الکافی، ج ۵، ص ۱۵۵

۲۴. منظور پولی است که در واقع ارزش و مالیت ندارد.

۲۵. خلق پول فرایندی است که در آن بر اساس اغراض اقتصادی، نهاد مربوط به سیاست‌های مالی یک کشور تصمیم به چاپ اسکناس می‌گیرد.

جمله روایات باب زکات^{۲۶} معتقدم پول اسلام، حقیقی است و به اصطلاح فقهی، خودش مال است و ما نمی‌توانیم پول اعتباری را بپذیریم. اگر پول، واقعی باشد، سود تجارت افزایش پیدا می‌کند، مسئله قرض - که مسئله بسیار مهمی است - ماهیت اصلی خود را پیدا می‌کند. الان در مسئله قرض - خصوصاً در قرض‌هایی که مشمول زمان هستند - طرفین قرض دچار اضرار می‌شوند؛ به دلیل اینکه ارزش پول در زمان انعقاد قرارداد قرض تا زمان تسویه تغییر پیدا کرده است، این یک مسئله مهم است که ان‌شاء الله به آن خواهیم پرداخت.

مسئله دومی که در موضوع مبادله به آن خواهیم پرداخت این است که در فقه اسلام، اختیار مبادله و قیمت‌گذاری در مبادله با چه کسی است؟ آیا ما می‌توانیم نهادی به نام شورای رقابت را بپذیریم؟ آیا اساساً حکومت مرکزی می‌تواند در مبادله دخالت بکند؟ روایات ما در اینجا چه می‌گویند؟ یا اینکه مبادله حکمی مربوط به طرفین معامله است؟ این را باید بحث بکنیم. آیا الان که به وسیله حکم ناکارآمد رقابت - که یکی از مفاهیم اصلی و پُر از ضلالت اقتصاد سرمایه‌داری است - در تولید، انحصار ایجاد شده است، فقیه می‌تواند تسعیر اختیاری را بپذیرد یا باید از باب مصلحت ورود پیدا کند؟ اینها بحث‌هایی است که مطرح خواهیم کرد. بعضی از آقایان به استظهار روایات تسعیر اختیاری این بحث را مطرح کرده‌اند که ما نباید حکومت را در مسئله قیمت‌گذاری دخالت بدهیم؛^{۲۷} ولی به این مسئله توجه نکرده و توجه نداده‌اند که بازار اسلام و الگوی تولید اسلام، یک بازار و الگوی تولید غیرمتمرکز است، برخلاف وقتی که اصل رقابت حاکم است که بازار متمرکز می‌شود. الان ما در بازار موجوداتی را داریم که نام آن‌ها را سلطان می‌گذاریم، این موجوداتی که در ادبیات محاوره‌ای به سلطان تعبیر می‌شوند در واقع حاکم بر بازار هستند. آیا می‌توانیم بگویم یک طرف مبادله یک سلطانی باشد که فقط سود خودش را در نظر می‌گیرد - مثلاً سلطان شکر، سلطان موز، سلطان قیر و سلطان‌های مختلف - و بعد در یک طرف هم مردم مستضعف باشند؟

الآن شما در حوزه تولید چند برند خاص دارید که به نحوه جهانی تولید می‌کنند؛ آیا این‌ها باید تعیین‌کننده قیمت باشند؟ اگر شما فرض تمركز در تولید و توزیع را پذیرفتید - حالا به شکل‌های مختلف آن مانند فروشگاه‌های زنجیره‌ای یا مگامال‌ها^{۲۸} و هایپرمارکت‌ها^{۲۹} پذیرفتید - اساساً آن زمینه تسعیر از بین می‌رود. لذا راهش این نیست که شورای رقابت ورود پیدا کرده و

۲۶. در این مورد می‌توان به عنوان مثال به این روایت اشاره کرد:

حَمَّادُ بْنُ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِي إِسْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنَّهُ يَجْتَمِعُ عِنْدِي الشَّيْءُ فَيَبْتِغِي نَحْوًا مِنْ سَنَةِ أَتْرُكِيهِ قَالَ لَا كُلُّ مَا لَمْ يَخُلْ عَلَيْهِ عِنْدَكَ الْحَوْلُ فَلَيْسَ عَلَيْهِ فِيهِ زَكَاةٌ وَ كُلُّ مَا لَمْ يَكُنْ رِكَازًا فَلَيْسَ عَلَيْكَ فِيهِ شَيْءٌ قَالَ قُلْتُ وَ مَا الرِّكَازُ قَالَ الصَّامِتُ الْمُنْفُوشُ ثُمَّ قَالَ إِذَا أَرَدْتَ ذَلِكَ فَاشْبِكْهُ فَإِنَّهُ لَيْسَ فِي سَبَائِكَ الذَّهَبِ وَ نِقَارِ الْفِضَّةِ شَيْءٌ مِنَ الزَّكَاةِ.

علی بن یقظین گوید: به امام کاظم علیه السلام گفتم: گاهی مقداری نقدینه نزد من جمع می‌شود و در حدود یک سال، دست‌نخورده برجا می‌ماند، آیا زکات دارد؟ فرمود: نه. آن نقدینه‌ای که یک سال نزد تو برجا نمانده باشد، زکات ندارد. و هرچه رکاز نباشد زکات ندارد. گفتم: رکاز چیست؟ فرمود: مسکوک رایج. آن‌گاه فرمود: اگر خواستی از پرداخت زکات معاف بمانی، نقدینه‌ات را آب کن، زیرا شمش طلا و نقره زکات ندارد.

الکافی، ج ۳، ص ۵۸

۲۷. در وضعیت فعلی نه کاری به کمونیست‌ها داریم و نه به سوسیالیست‌ها. ما اقتصاد عقلایی می‌خواهیم. اقتصاد ما سوسیالیستی و کمونیستی نیست. اقتصاد بازار آزاد است. ما مدافع رقابت آزاد هستیم. در روایات ما این مسئله هست که حق نداریم تعیین نرخ کنیم. رقابت بازار باید نرخ را تعیین کند. اینها در روایات ما هست. دیگر به چه زبانی باید بیاند اقتصاد آزاد را بیان کنند؟ این اقتصاد عقلایی است. لذا کسی که وارد این عرصه شود باید نظریات خودش را کنار بگذارد و آنها را به اسم اسلام ترویج نکند. باید به نظرات عقلایی اقتصادی در دنیا توجه کنیم.

آدرس مطلب در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حجت‌الاسلام علوی بروجردی: yon.ir/tasiir

۲۸. مگامال‌ها به مراکز بزرگی گفته می‌شود که علاوه بر مرکز تجاری بودن، از رستوران، فضای بازی و غیره نیز برخوردارند.

۲۹. فروشگاه‌هایی با وسعت بسیار زیاد که تقریباً تمام موارد مورد نیاز زندگی اعم از لوازم خانگی، مواد غذایی، البسه و پوشاک و ... را در خود جای داده‌اند.

قیمت‌گذاری بکند؛ البته این حرف از این باب نیست که ما قیمت‌گذاری به دست سلاطین حوزه تجارت و تولید را تأیید می‌کنیم، بلکه از این باب توصیه می‌کنیم که باید به سمت عدم تمرکز در تولید و توزیع برویم که ادله آن را بعداً بحث می‌کنیم. لذا مسئله تسعیر اختیاری از غرر توصیه‌های پیامبر است و اگر نباشد تعادل بازار به هم می‌ریزد؛ ولی باید توجه بکنید که تسعیر، مبتنی بر عدم تمرکز است و در فضای تمرکز باید توصیه‌های دیگری داشت که توصیه‌های ما غیر از توصیه‌هایی است که الان در اقتصاد یا در قوانین مجلس شورای اسلامی حول مسئله رقابت در برنامه پنجم و ششم کشور مطرح شده است.^{۳۰}

یکی دیگر از مسائلی که ما در حوزه مبادله به آن خواهیم پرداخت، مسئله عقود مبادله است. عقود مبادله در اسلام چه کارآمدی‌ها و ویژگی‌هایی دارند؟ مثلاً بعضی از تبادلهای مالی باید ذیل عقد شرکت باشد، بعضی از تبادلهای مالی باید ذیل مساقات باشد، بعضی از تبادلات مالی باید ذیل حکم مضاربه باشد؟ این‌ها چه فوایدی دارند؟ وقتی این فواید سایر عقود را به نحو استدلالی بحث کنیم، واضح می‌شود که بانک‌ها دارند از این عقود سوء استفاده می‌کنند؛ و یک تنبیهی برای فقهای محترم شورای نگهبان ایجاد می‌شود که نمی‌توان اجرای عقود را به بانک‌ها سپرد؛ چون همان اشکال تمرکز و سلطانی که در بخش قبل عرض کردیم پیش می‌آید. حالا ان‌شاءالله مسئله عقود و فواید آن را بفضل تبارک و تعالی بحث خواهیم کرد.

۳/۵. تجارت بین‌الملل و تعرفه‌ها؛ رد مبنای تقسیم کار جهانی بین جامعه ایمانی و کفر

در نهایت در سرفصل پنجم این مباحثات به پدیده تجارت بین‌الملل و تعرفه‌ها خواهیم پرداخت. به این مسئله خواهیم پرداخت که بعضی می‌خواهند بر اساس مفهوم تجارت بین‌الملل به سمت تقسیم کار جهانی^{۳۱} بین جبهه ایمان و کفر بروند. مفهوم اصلی تبادل و تجارت در فضای بین‌الملل چیست؟ این را ان‌شاءالله باید مباحثه بکنیم. همانطور که همه فقهای عظام شیعه کثر الله امثالهم فرمودند ما نمی‌توانیم به اسم تجارت، تقویت کفار را در دستور کار خودمان قرار بدهیم، ولو آن تجارت یک تجارت خرد باشد.^{۳۲} شرح مسئله عدم تقویت کفار این است که اسلام مسائل فکری را حاکم بر همه مسائل می‌داند، و

۳۰. ماده ۱۰۱ به منظور تنظیم مناسب بازار، افزایش سطح رقابت، ارتقاء بهره‌وری شبکه توزیع و شفاف‌سازی فرآیند توزیع کالا و خدمات، دولت می‌تواند.

برنامه پنج ساله پنجم توسعه

ماده ۲۲

الف) دولت مکلف است با اقدام قانونی در جهت اصلاح قوانین، مقررات و رویه‌ها، محیط کسب و کار را به گونه‌ای امن، سالم، سهل و شفاف سازد تا در پایان سال چهارم اجرای قانون برنامه، رتبه ایران در دو شاخص رقابت‌پذیری بین‌المللی و شاخصه‌های بین‌المللی حقوق مالکیت در میان کشورهای منطقه سند چشم‌انداز به رتبه سوم ارتقاء یابد و هر سال بیست درصد (۲۰٪) از این هدف محقق شود. در شاخص کسب و کار هر سال ده رتبه ارتقاء یافته و به کمتر از هفتاد در پایان اجرای قانون برنامه برسد. وزیر امور اقتصادی و دارایی مکلف است در پایان شهریور و اسفندماه هر سال، گزارش میزان تحقق حکم این بند را همراه مستندات به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.

برنامه پنج ساله ششم توسعه کشور

۳۱. منظور به کارگیری نیروی کار کشورهای جهان سوم برای گسترش فعالین کارتل‌های بزرگ نظام سرمایه‌داری است.

۳۲. خرید و فروش کالاهای امریکایی چه حکمی دارد و آیا این حکم شامل همه کشورهای غربی مثل فرانسه و انگلستان هم می‌شود؟ و آیا آن حکم مخصوص ایران است و یا در همه کشورها جاری است؟

ج: اگر خرید کالاهای وارداتی از کشورهای غیراسلامی و استفاده از آنها باعث تقویت دولتهای کافر و استعمارگر که دشمن اسلام و مسلمین هستند، شود و یا قدرت مالی آنها را برای هجوم به سرزمین‌های اسلامی یا مسلمین در سرتاسر عالم، تقویت نماید، واجب است که مسلمانان از خرید و بکارگیری و استفاده از آنها اجتناب کنند، بدون اینکه فرقی بین کالایی با کالای دیگر و دولتی با دولت دیگر از دولتهای کافری که دشمن اسلام و مسلمین هستند، وجود داشته باشد و این حکم هم اختصاصی به مسلمانان ایران ندارد.

اجوبه الاستفتانات، س ۱۳۵۵

وقتی توصیه کرده است که سود اقتصادی ناشی از تبادل با کفار را نپذیرید، در واقع توصیه کرده است که سود ناشی از عدم چالش در حوزه تفکرات جامعه‌تان را حفظ کنید. چون شما وقتی رابطه اقتصادی بی‌پروا با کفار برقرار می‌کنید در واقع بسط نفوذ برای کفار ایجاد می‌کنید و وقتی برای کفار بسط نفوذ ایجاد کردید، اولین کاری که کفار می‌کنند این است که جهان‌بینی، اندیشه‌ها و تفکرات شما را به چالش می‌کشند. و بنابر شرحی که ما در جلسات دیگر و در این جلسه به اختصار عرض کردیم، ایجاد چالش در تفکر، سود ارتباطی را از ما می‌گیرد. بنابراین دعوت به عدم تقویت کفار، حفظ مسئله سود ارتباطی است. باید در اینها دقت شود.

حالا بافت تجارت مبتنی بر اصالت سود ارتباطی در فقه المکاسب چه شکلی پیدا خواهد کرد؟ حتما باید تراز تجاری ما با غیر متعهدها^{۳۳} و مستضعفین عالم عوض شود، یعنی ما نمی‌توانیم تراز تجاری مان را با کشورهای مستکبر تعریف کنیم. یک مدل خاصی از تجارت بین‌الملل ایجاد خواهد شد. وقتی داریم جایزه‌های صادراتی را اهدا می‌کنیم، اینکه چه کسی لایق دریافت آن جایزه‌های صادراتی است، فقط با این شاخص نیست که چقدر دلار وارد کشور کرده و چه اندازه کالاهای کشور را صادر کرده است؛ شاخص این است که آن تاجر چقدر قدرت تغییر سود ارتباطی را داشته است. حالا ما در دوره‌های قبل این مسئله را می‌بینیم؛ مثلاً همین کشورهای مسلمانی که در اطراف خودمان و در اقصی نقاط دنیا داریم اساساً مسئله اسلام در آنجا با ابزار تجارت جلو رفته است؛ یعنی تجاری بودند که آن تجار محترم به بهانه تجارت و کالا، وارد کشورهایی شدند و بعد در آنجا نسل شیعه را افزایش دادند، خیلی از کشورها اینطور بوده‌اند.^{۳۴} لذا مدل تجارت را می‌توانید به این نحو تغییر بدهید که تجارت ابزار تحریک فکر افراد در عالم است، ابزار گسترش تفکر درست و بهینه روابط انسانی در عالم است. در دوره‌های گذشته تجاری مانند مرحوم قمی داشتیم که در بعضی از همین کشورهای آسیایی با ابزار تجارت، این کار را کردند.^{۳۵} ان‌شاء الله یک مدل جدیدی از تجارت بین‌الملل را بازتعریف خواهیم کرد. پس ان‌شاء الله از فردا شروع کرده و این ساختار

۳۳. کشوهای هستند که در سال ۱۹۶۱ (زمان جنگ سرد) اعلام بی‌تعهدی نسبت به دو بلوک قدرت شرق (کمونیسم) و غرب (سرمایه‌داری) کردند. این سازمان بین‌المللی همچنان هم دایر است و ایران یکی از کشورهای عضو آن است.

۳۴. طلوع و نفوذ مذهب اسلام نیز به همان طریقی که برای سایر مذاهب بیان شد صورت گرفت. منتها این بار به وسیله دو تاجر عرب ایرانی نژاد به نام عبد الله عریف و برهان الدین، شاگرد وی، که از بازرگانان مقیم کجرات بودند. بازرگانان مزبور که به جنوب شرقی آسیا رفت و آمد می‌کردند، معارف و فرهنگ برجسته اسلامی را در منطقه عمل خود منتشر و توسعه می‌دادند.

رستاخیز اندونزی، ص ۳۰

۳۵. در سال یک‌هزار و شصصد میلادی مردی قمی و از محله چارمندان (یا چارمردان یا به تلفظ مردم قم: چارمردون) که هم عالم بود، هم تاجر ظاهراً برای تجارت و به گونه‌ای که قرائن نشان می‌دهد برای ترویج مذهب تشیع از شهر قم کوچ کرد و روانه کشور سیام آن روز و تایلند امروز شد، سرزمینی که از جمله آبادترین و پرجمعیت‌ترین کشورهای آسیای جنوب شرقی بوده و هست. «شیخ احمد» ابتدا با حسن عمل و رفتاری پسندیده و رعایت انصاف در تجارت نظر پادشاه و مردم را به خود جلب کرد. آن‌گاه به تبلیغ و ترویج مذهب تشیع در آن سرزمین پرداخت. دین اسلام از چند قرن قبل در سیام راه یافته و بنابراین زمینه برای پذیرفتن مذهب تشیع آماده بود به ویژه که «شیخ احمد» در دستگاه سلطنتی از مقام شامخی برخوردار شده بود، گروهی به این مذهب گرویدند و مسجد و تکیه‌ای مخصوص خود بنا کردند، در روز دهم محرم مجالس وعظ ترتیب می‌دادند جمعی ایرانی نیز برای تجارت و سکونت به سیام رفتند و از آن زمان تا امروز هزاران تن از مسلمانان سیام پیرو مذهب تشیع هستند شیخ احمد توانست در دستگاه سلطنتی سیام مذهب شیخ اسلامی تأسیس کند وی در شهری به نام آپوتایا، نزدیک بانگکوک در سئی در حدود هشتاد سال از جهان رفت و آرامگاه او در شهر آپوتایا زیارتگاه است. (برای تفصیل مطلب درباره شیخ احمد قمی، به مجله مکتب اسلام شماره ۴ سال ۳۳ و روزنامه اطلاعات شماره ۲۱۰۷۵۰ مورخ ۲۶ خرداد ۷۶ مراجعه فرمایید در این شماره روزنامه اطلاعات عکس از آرامگاه شیخ احمد چاپ شده است.)

تاریخ مذهبی قم، ص ۱۵۳

مباحثاتی را محضر دوستان در این پنج بخش مطرح خواهیم کرد. من نگران حوصله خودمان و نگران عدم عزم‌های خودمان هستیم. چون فکر می‌کنم شاید ما به ۱۰۰ جلسه مباحثه نیاز داریم تا فقط مسئله انفال جا بیفتد، یکی از پیچیده‌ترین مباحثات ما در مسئله انفال است. به یک عزم‌هایی شبیه عزم‌های پیامبران نیاز داریم تا بتوانیم بعضی از مطالب مترقی اسلام در حوزه مکاسب را بحث کنیم. امیدوارم وقتی این مباحثات را مطرح کردیم و برخی از این گفتگوها را خدمت بعضی از اعظام و فضایی محترم دادیم، دیگر برخی از آقایان اظهار نکنند که اصول اقتصاد اسلامی فقط حدود ۲۰ اصل است و اسلام از باب بنای عقلا اقتصاد آزاد را امضا می‌کند.^{۳۶} به نظرم اگر این دوستان بپذیرند که یک دوره جدیدی از مکاسب با یک قواعد جدید اصولی و در فضای نظام مقایسه انجام دهیم، آن وقت این امضاهایی که حوزه علمیه پای بانک می‌زند و مثلاً شورای زینتی! فقهی بانک مرکزی^{۳۷} را راه‌اندازی می‌کند یا قانون عملیات بانکی بدون ربا را در شورای نگهبان امضا می‌کند،^{۳۸} یا بعضی از امضاهای دیگری که ما الان به دلیل عدم بررسی مفاهیم اقتصاد آزاد انجام می‌دهیم ان شاء الله این امضاها از ناحیه علمای محترم برداشته می‌شود. البته من مکرر عرض کردم که این مناقشاتی که در حوزه علمیه است با مباحثات علمی عمیق حل خواهد شد و ما باید به نحو عمیق، استظهاری، حجیت‌یافته، غیراخباری و در فضای نظام مقایسه، بعضی از مباحثات را مطرح کنیم تا ان شاء الله بتوانیم در حوزه نظام سازی اقتصاد، غلبه‌ای بر مفاهیم مدرن ایجاد کنیم. ان شاء الله از فردا بفضل الهی تبارک و تعالی وارد بحث خواهیم شد.

و الحمدلله رب العالمین

۳۶. خوش‌بختانه در دولت فعلی، که ان شاء الله در دولت بعد هم ادامه پیدا کند، کسانی سر کار آمدند که اقتصاد را می‌فهمند. اقتصاد علم است. حتی من گاهی گفته‌ام با تعبیر «اقتصاد اسلامی» مخالفم چون اقتصاد اسلامی همان اقتصاد عقلایی است. مباحث اقتصادی ما محدود است و بیش از ۲۰ موضوع نیست که در آنها حکم تأسیسی داده‌ایم. در بقیه موضوعات، حکم امضایی است. یعنی نگاه می‌کنیم و می‌بینیم که سیره عقلایی چگونه نگاه می‌کند. اگر با عموماً و اصلاحات ما منافات نداشت امضا می‌کنیم و بدین ترتیب مشمول تأیید شرع می‌شود. منظور از عقلا چیست؟ عقلای عالم روش‌های اقتصادی شناخته‌شده مقبولی پیش همگان دارند که مجموع آن‌ها اقتصاد عقلایی می‌شود. شرع هم همین را می‌گوید. اسلام هم همین را می‌گوید. اقتصاد عقلایی اقتصاد آزاد است نه اقتصاد کمونیستی.

آدرس مطلب در سایت دفتر حجت‌الاسلام سیدمحمدجواد علوی بروجردی: Yon.ir/jK3es

۳۷. به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، شورای فقهی بانک مرکزی به استناد ماده ۱۶ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران و با هدف حصول اطمینان از اجرای صحیح عملیات بانکی بدون ربا در نظام بانکی کشور تشکیل شده و متشکل از پنج مجتهد متجزی در حوزه فقه معاملات، رئیس کل بانک مرکزی، یک نفر اقتصاددان، یک نفر حقوق‌دان، یک نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و یک نفر از مدیران عامل بانک‌های دولتی است.

آدرس مطلب در سایت رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: yon.ir/00yTJ

۳۸. قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مشتمل بر بیست و هفت ماده و چهار تبصره در جلسه روز سه شنبه هشتم شهریور ماه یکهزار و سیصد و شصت و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۲/۶/۱۰ به تأیید شورای نگهبان رسیده است ابلاغ می‌گردد. (رئیس مجلس شورای اسلامی - حجت‌الاسلام اکبر هاشمی)

دریافت متن قانون از پایگاه رسمی بانک مرکزی: yon.ir/mhZBj

پیوست‌ها

پیوست ۱: کاهش صرف عناوین مجرمانه در کشورهای حوزهٔ اسکاندیناوی

دانشگاه هاروارد فساد قانونی را به این صورت تعریف کرده است: «ما این فساد قانونی را یک دستاورد سیاسی می‌نامیم که می‌تواند در قالب یک روش حمایتی از طرف یک نهاد رسمی دولتی اتخاذ شود تا به این وسیله امکان تبادل برای تامین سود یک فرد یا یک گروه فراهم شود که این امر ممکن است واضح و صریح یا به صورت ضمنی دریافت شود»

We define legal corruption as the political gains in the form of campaign contributions or endorsements by a government official, in exchange for providing specific benefits to private individuals or groups, be it by explicit or implicit understanding.

آدرس مطلب در مرکز اخلاق دانشگاه هاروارد: yon.ir/MqRkU

مسئله «حقوق‌های نجومی» ذیل این تعریف قرار دارد ولی پر واضح است که فساد قانونی تنها شامل چنین مواردی نمی‌شود. به عبارتی این نوع از فساد، به دلیل مخفی بودن و ظاهری قانونی داشتن متصف به وصف «قانونی» شده است ولی قوانین کشورها حاکی از آن است که عناوین مجرمانه‌ای به دلیل عدم امکان مقابله گسترده با آن و یا نگرش غلط به مسئله جرایم، از «فساد» و «جرم» تلقی شدن فاصله گرفته‌اند. برای مثال در هلند مسئلهٔ مصرف آزاد و عمومی مواد مخدر «فساد» تلقی نمی‌شود لذا در واقع این نوع فساد از دیدگاه ما «فسادی قانونی» است. همچنین است مسئلهٔ آزادی «همجنس‌بازی» و انحرافات اخلاقی دیگر که در بعضی کشورهای دنیا «قانونی» تلقی می‌شوند. عکس زیر یک کافه در هلند است که حبشیش و علف با دوزهای مختلف را سرو می‌کند.

عکس از کتاب «ظهور و افول منع شاهدانه» ص ۱۱

دانلود کتاب از مؤسسه پژوهشی معتبر «تی‌ان‌آی» yon.ir/۶۵۳YQ



وَعَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لِفُضَيْلٍ: جَلِسُونَ وَتُحَدِّثُونَ؟ قَالَ: نَعَمْ جَعَلْتُ فِدَاكَ
قَالَ: إِنَّ تِلْكَ الْجَالِسِ أَحِبُّهَا، فَأَحْيُوا أَمْرَنَا يَا فَضِيلُ، فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا.
يَا فَضِيلُ، مَنْ ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلُ جَنَاحِ الدُّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَلَوْ كَانَتْ أَكْمَرَ مِنْ زَيْدِ الْبَجْرِ

قرب الإسناد: امام صادق عليه السلام به فضیل فرمود: آیا با هم می نشینید و گفتگو می کنید؟ عرض کرد: آری، فدایت شوم.
فرمود: من این مجالس را دوست دارم. ای فضیل! راه ما را زنده نگه دارید. رحمت خدا بر آن که امر ما را زنده بدارد. ای
فضیل! هر کس ذکر ما بگوید یا در حضور او ذکر ما شود و از چشمش به اندازه پر مگسی اشک درآید خداوند گناهان او
را می بخشد اگر چه فزونتر از کف دریا باشد.

مصدر: قرب الاسناد، ج ۱، ص ۳۶

منبع فرعی: بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲

بنابر این دلیل اولی که ما به فقه المکاسب ورود پیدا کرده ایم این است که
نظام مفاهیم اقتصاد آزاد، نظام مفاهیم ناکارآمدی هستند و بر اساس این
نظام مفاهیم نمی توانیم اقتصاد کشورمان را بازآفرینی کنیم.
ممکن است در بعضی از دانشگاه های ما و بعضی از جریان های انقلابی و
دینی ما به هر دلیلی، کسانی فکر کنند اگر دولت تدبیر و امید عوض شود
می توان وضعیت اقتصاد کشور را بهینه کرد چرا که
همه مسئله را به ضعف های مدیریتی بر می گردانند در
حالی که ما فکر می کنیم حتی اگر مدیران قوی ای از حیث اوصاف
مدیریتی سرکار بیابند ولی همین نظام مفاهیم وجود داشته باشد - مرادم از
نظام مفاهیم، نظام مفاهیم حوزه اقتصاد سرمایه داری
است - وضعیت اقتصاد کشور بهبود پیدا نخواهد کرد. لذا دعوت اصلی ما در
این دوره مباحثاتی این است که دلسوزان کشور، اقتصاد و معیشت
عمومی را بر اساس مفاهیم فقه المکاسب پیگیری کنند و نه بر اساس
مفاهیم که در اقتصاد خرد، اقتصاد کلان و اقتصاد توسعه مطرح است و نه بر
اساس مفاهیمی که در مکاتب مختلف اقتصادی مطرح می شود.

* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه nro-di.blog.ir

کانال "الگو ۴" در پیام رسان ای تا @olgou4

